

«**طبری**» **چرا در باره غدیر کتاب نوشت؟**



رسول‌جعفریان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

حدیث ولایت در کتاب‌های زیادی نقل شده است و مؤلفان شیعه از قدیم در پی اثبات این بودند که تواتر این حدیث مسلم‌وز بسیاری از احادیث دیگر بیشتر است. در سال‌های اخیر که کتاب‌های اهل حدیث از قرن سوم و چهارم منتشر شده، از جمله کتاب «فضائل الصحابه» احمد بن حنبل یا «السنه» ابوبکر خلیل و آثار مشابه، روشن شده است که حدیث غدیر از مسلمات و مقبول اهل حدیث با همان سنن یا بغداد بوده است که تندترین اهل سنت بودند. به‌طبع سنن یا معتدل دیگر مانند اهل سنت شهر اصفهان در قرن پنجم، در این زمینه تلاش‌های بیشتری برای ثبت حدیث کردند. بسیاری از ترس امویان حدیث غدیر را روایت نمی کردند، چنان که سعیدبن جبیر می گفت: من حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» را از ابن عباس شنیدم، اما اینکه معنای آن را تحریف می کردند تا به مفهوم امامت نباشد. احمد بن حنبل در مقابل کسی که پرسید معنای این حدیث چیست، گفت ما فقط روایت می کنیم، درباره آن سؤال نمی کنیم(السنه ابوبکر خلیل: ۳۴۶ و ۳۴۷). تلقی شیعیان و مجتبان امام علی<sup>(ع)</sup> (که شمارشان در اوج فشارهای دوره خلفای اول و بعدها در طول ۹۰ سال حکومت بنی امیه که دشمن اصلی خود را علویان و اهل بیت<sup>(ع)</sup> می دانستند، کم بود) این بود که غدیر به معنای امامت است. شیعیان در این دوره اقلیت زیر فشار بودند و صدایشان کمتر شنیده می شد، اما در اینجا می خواهم یک نمونه مهم را بگویم. از قدیم این سؤال بود که اگر غدیر اتفاق افتاده، چرا مورخی مانند یعقوبی نقل کرده. اما طبری آن را روایت نکرده است. پاسخ به سادگی این است که به‌رغم آنکه حدیث ولایت در منابع بود، اما رهبران تندرو و حنبلی در بغداد چندان مایل به نشر این حدیث نبودند. به‌علاوه شکل‌هایی از حدیث را روایت می کردند که عناصر تحرافی در آن‌ها جای داده شده بود. مثلاً گفته می شد امام علی<sup>(ع)</sup> پیش از حج سال دهم در یمن بوده است و کسانی با او بد شدند و وقتی نزد رسول<sup>(ص)</sup> آمدند و گلابه کردند، حضرت فرمود: «من کنت مولاه…» این داستان برابر روایت مشهور سابق شده بود تا مسئله را عادی جلوه دهند. یک نفر هم گفته بود که امام آن سال در یمن بوده و به حج نيامد تا غدیری در کار باشد. وقتی این خبر به گوش محمد بن ولایت بنویسد و نوشت. طبری همه طرق کتابی در طرق حدیث ولایت بنویسد و نوشت. طبری همه طرق این روایت را گردآوری کرد و یک کتاب دو جلدی نوشت. این کتاب به شهادت مورخان و محدثان، تارقن هشتم هجری موجود بوده و شمس الدین ذهبی در این قرن آن را تلخیص کرده و سال‌ها پیش منتشر شده است. این مسئله نشان می دهد طبری از اینکه غدیر را در تاریخ خود ننوشته، نگران مخالفت‌های دیگران بوده و از آنجا که قصد داشته کتابی بنویسد که مقبول همگان باشد، از آوردن آن خودداری کرده است. این روشی معمول در میان برخی مورخان است که ملاحظاتی دارند. همین که در بغداد متمم به تشیع شد، جنازه اش ۳ روز بر زمین ماند و این هم ناشی از رفتار عده‌ای تندرو از حنبله بغداد بود.

## دست‌نوشته‌ای از «گوته» در باره امام علی (ع)



اوایل ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی در میان دست‌نوشته‌های گوته نوشته‌ای پیدا شد. این دست‌نوشته نشان دهنده تأثیر سنت اسلامی بر این اندیشمند بزرگ آلمانی بود. یوهان ولفگانگ فون گوته ادیب، فیلسوف، نقاش و نویسنده آلمانی است که سال ۱۷۴۹ میلادی در فرانکفورت به دنیا آمد. تأثیر او در سرتاسر اروپا و این چنان گسترش یافت که آثارش در قرن بعد از او، منبع اطلاعات در زمینه‌های موسیقی، شعر، نمایشنامه و فلسفه شد. گوته نه‌فقط یک شاعر و نویسنده با استعداد، که او این روشن فکر شناخته‌شده آلمان نیز به حساب می‌آمد. به لطف زندگی طولانی او و صنعت بی‌مرز روشن فکری، در مجموعه‌ای از جنبش‌ها و فراز و نشیب‌ها در تاریخ ادبی این کشور، او یکی از چهره‌های مهم تاریخ اروپا باقی ماند. گوته در همه این جنبش‌ها به میزان‌های مختلفی شرکت داشت، در همه آن‌ها گوته پیش از هر نویسنده دیگری می‌توانست یا اثر خود با توده‌های مردم آلمان ارتباط برقرار کند. «فانوست» یکی از موفق‌ترین آفریده‌های او که شخصیت اصلی اش روح خود را درازی موفقیت و شهرت به شیطان می‌فروشد، به نوعی به بیابانه‌ای علیه کلیسا و مذهب تبدیل شد. گوته با ترجمه آلمانی دیوان حافظ توسط یوزف فون هامر پور بوکشتال شرق شناس مشهور در آرایش، بیش از پیش با اشعار فارسی آشنا شد. در این ایام که مصادف با جنگ و خون‌ریزی‌های ناپلئون بود، گوته تحت تأثیر شعرهای حافظ، طبع شاعرانه‌اش بازگشت زندگی در دنیای حافظ سبب شد که او در مدت یک هفته ۱۵ شعر جدید بسراید و دیوانی را با عنوان «غربی شرقی» سرود. در واقع این کتاب جزو اولین آفریده‌های گوته به شمار می‌رود که او در جایی این کتاب را به عنوان «برآیند زندگی خود» معرفی کرده است. در این دیوان سروده‌ای با عنوان «نغمه محمد» دارد. این شعر، گفت و گویی میان حضرت علی<sup>(ع)</sup> و حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> است که به توصیف شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌پردازد. بر اساس شواهد، گوته برای شناخت بیشتر و بهتر الگوهای حافظ به‌سرّاع منابع مکتوبی از اسلام رفته است. در این حین آنی ماری شیمل، پژوهشگر آلمانی، معتقد است که تشبیه پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> به «آب شمع» «نغمه محمد» در هیچ منبعی به غیر از اثر شیخ کلینی مشهور به «الکافی» یافت نمی‌شود. در روزهای ابتدایی ژانویه ۲۰۲۰ میلادی، رسانه فطرس مدیا با همکاری «بنیاد گوته» و سازمان جهانی یونسکو، به نوشته‌هایی از گوته، خالق «دیوان غربی شرقی» دست‌یافته‌است که آن‌رامی‌توان پل فرهنگی از غرب مسیحی به سوی شرق شیعی دانست. در این میان گوته برای فهم بهتر این منابع ناگزیر از آموختن زبان عربی و فارسی بود. مشق‌های خط عربی و فارسی وی بعد از ۴۰ قرن همچنان در خانه وی موجود است. مشق‌های یوهان از خط عربی در موزه خانه وی در شهر وایمر نگهداری می‌شود. در این بین جمله‌ای که از شعرهای مهم مردم شیعه است، بیش از پیش خودنمایی می‌کند: «علی ولی…». تعداد نوشته‌های «علی ولی…» به دست یوهان گوته آن قدر زیاد است که گویی وی با هادفی مشخص قصد یادگیری این جمله را داشته است.

# شهر

۴شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۹
SHAHRAHANNEWS.IR

## ۱۴

# زندگی

گفت وگویی شهرآرا با ۲ اندیشمند علوم دینی درباره واکاوی معارف علوی به مناسبت عید سعید غدیر

# حاضران این پیام را به غایبان برسانند



## سیدمرتضی و شیخ طوسی؛ مدافعان امامت در سده های میانی

دکتر مهدی مومنی ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ در شهر مشهد و در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی بود. مهدی محقق تا ۹ سالگی در آن شهر بود و سپس در سال ۱۳۱۷ خورشیدی به تهران رفت. در سال ۱۳۲۷ خورشیدی وارد دانشگاه تهران شد و دوره دکتری الهیات را در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۹ خورشیدی پس از شرکت در آزمون دانشیاری، به عضویت هیئت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد. وی مدت ۱۵ سال ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را عهده دار بود.



یکی از القاب امام علی<sup>(ع)</sup> که در منابع اسلامی نقل شده، «امیرالمؤمنین» است. امیرالمؤمنین، یعنی فرمانروای مؤمنان، از القاب مشهور آن حضرت است. سلیم بن قیس می گوید: پیغمبر خدا<sup>(ص)</sup> ۴۰ تن از عرب و ۴۰ تن از غیرعرب را گرد کرد و آنان بر علی<sup>(ع)</sup> به عنوان امیرالمؤمنین سلام کردند و سپس به آنان گفت شما را گواهم می گیرم که علی<sup>(ع)</sup> برادر من و وزیر من و وارث من و خلیفه من در میان اتمم ووصی من و ولی هر مؤمنی پس از من است. سخن او را بشنوید و او را فرمانبردار کنید.»

سیدرضی فصلی از کتاب خود را درباره این قراردادها است که در زمان رسول خدا<sup>(ص)</sup> علی<sup>(ع)</sup> به عنوان امیرالمؤمنین خوانده می شده است. از آن جمله حدیثی را از بریدهٔ اسمعی نقل می کند که رسول خدا<sup>(ص)</sup> به یارانش فرمان داد تا به علی<sup>(ع)</sup> به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنند. عمر بن خطاب از آن حضرت سؤال کرد: ای پیغمبر خدا! این از سوی خداوند است یا از سوی رسول او؟ حضرت پاسخ داد: هم از خدا و هم از رسول او است. محمدبن جریر طبری در حدیثی که به سلمان فارسی می پیوندد، نقل می کند که سلمان در میان قوم برخاست و گفت: ای گروه مسلمانان! شما را به خدا



## تصویری در خشان از «ولایت» در زیارت غدیریه

دکتر عبدالحسین طالعی، متولد سال ۱۳۴۰ خورشیدی در ذرفول است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه قم، عضو هیئت مؤسس و هیئت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران شاخه استان قم و ریاستار فصلنامه سفینه است. او علاوه بر تدریس دروس دانشگاهی، تا کنون چندین جلد کتاب و مقاله نوشته است. «درس‌هایی از خطبه غدیر»، «ره‌توشه منتظران»، «نگاهی به کتاب شرح دعای ندبه»، «درس‌هایی از دعای ندبه»، «اندیشه مهدویت در جهان معاصر»، و «برتری حضرت زهرا بر تمام زنان» برخی از این آثار است.

زیارت غدیریه متنی است استوار و فصیح که به سند معتبر از امام هادی علیه السلام رسیده است و از ویژگی های آن می توان به مواردی چون بیان سیره های جامع حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در عین اختصار، استناد این سیره به امام معصوم<sup>(ع)</sup>، مشتمل بر دهه آیه قرآن کریم به اشکال مختلف و چندین حدیث نبوی درباره حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، امر به خواندن آن در هر زمان و هر مکان و… اشاره کرد. برای فهم معارف والای این زیارت، فرازهایی از آن را تحلیل خواهیم کرد. «السلام عَلَیک یَا دَینِ اَلْقَویْمِ وَصِرَاطَه اَلْمُسْتَقِیْمِ، سلام بر توای دین معتدل خدا و راه راستش.»

در تعریف دین اختلاف زیادی وجود دارد، تا آنجا که برخی گفته اند به عدد دین داران تعریف های گوناگون در دین موجود است. شگفتا که پدیده ای چنین آشنای درون انسان ها باشد و هرکس به فراخور فهم و درک و سلیقه خود آن را به گونه ای تفسیر و تبیین کند. نکته مهم این است که با وجود همه اختلافات، در این نقطه اتفاق نظر وجود دارد که دین، دین خداست، نه خلق خدا. دینی که از ناحیه آفریدگار آمده است، نه از ناحیه آفریدگان، به طبع باید از سوی

امیدحسینی نژاد وقت اذان ظهر بود. کاروان حجاج آماده اقامه نماز ظهر شدند. همگی نماز را به امامت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> اقامه کردند. پیامبر<sup>(ص)</sup> خطبه را آغاز کرد. در همان ابتدا سخنان ایشان همه را بهت زده کرد، آنجا که فرمودند: «خداوند لطیف و خبیر مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فراخوانده می شوم و دعوت او را اجابت خواهم نمود…» همه متوجه شدند که این سفر، آخرین حج پیامبر<sup>(ص)</sup> خواهد بود و پس از گذشت مدتی همه از فیض حضور این مرد آسمانی محروم خواهند شد. قرار است پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> سخنانی مهم به یاران خود بگویند. فحوا ی کلام ایشان نشان دهنده این است که این سخنان حساس ترین و مهم ترین خطبه پیامبر<sup>(ص)</sup> در طول حیات شریفشان است. آنجا که خداوند متعال به ایشان فرمود: «فان لم تفعل فمابلیغتر رسالته، اگر این کار را انجام ندهی، رسالتت را به انجام نرسانده ای.» حاجیان سراپا گوش اند. خطبه پیامبر<sup>(ص)</sup> به اوج خود رسیده است. ایشان فرمود: «ای مردم، آیا من از خود شما به ولایت (سرپرستی) شما سزاوارتر نیستم؟ مردم یک صدا گفتند: آری ای پیامبر خدا. سپس ایشان دستان علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> را بالا گرفت و فرمود: «خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین ام و من به خود شما، به ولایت (سرپرستی) شما سزاوارترم. پس هرکس که من مولای اویم، علی مولای اوست.» حاجیان تبریک گویان به نزد علی<sup>(ع)</sup> آمدند و با خوش حالی با ایشان بیعت کردند. پیامبر اکرم<sup>(ع)</sup> آخرین اتمام حجت را با همه مردم انجام داد و فرمود: «حاضران این پیام را به غایبان برسانند.» این کلام رسول خدا تا به امروز به گوش نسل های بعدی رسیده است. ۱۸ ذی الحجه مصادف با روز بزرگی برای مسلمانان است. روزی که در آن امامت علی<sup>(ع)</sup> بر همه ابلاغ شد. صحابه پیامبر<sup>(ص)</sup> در منابع گوناگون اسلامی خطبه غدیر را نقل کرده اند. علامه امینی در کتاب «الغدیر» همه نقل های صحابه و تابعین را در این باره نقل کرده است. علمای شیعه از همان ابتدانیذ کتاب هایی در اثبات ولایت علی<sup>(ع)</sup> تألیف کرده اند. به مناسبت عید سعید غدیر یاد کتر مهدی محقق، اندیشمند برجسته علوم اسلامی و ادبیات فارسی، در باره سیر تدوین نگاشته های اسلامی در حوزه امامت و ولایت گفت و گو کرده ایم. در ادامه نیز دکتر عبدالحسین طالعی تحلیلی بر زیارت غدیر به امام هادی<sup>(ع)</sup> و ویژگی های ولایت امام<sup>(ع)</sup> ارائه کرده است. مشروح این گفت وگوها را در ادامه بخوانید.

التوحید و العدل» قسمت مهمی را به مسئله امامت اختصاص داد تا آنچه را که پیشوایان او گفته بودند، استوار سازد.

آخرین بخش کتاب «معنی»، یعنی بخش بیستم، به مسئله امامت اختصاص داده شده و در آن درباره این مسئله به طور مفصل بحث و نقد شده است. همین فراوانی مطالب و وسعت دامنه بحث در کتاب «معنی» موجب شد که متکلمان اهل سنت در مسئله امامت دیگر خود را زحمت ندهند و به اختصار برگزار کنند و تفصیل را به کتاب قاضی عبد الجبار ارجاع دهند. همدانی در این کتاب مباحث مختلف را مطرح ساخته و در هر یک احتجاجات امامیه را که از آن‌ها تعبیر به شبهات می کند، نقل کرده و آن‌ها را پاسخ داده است. شکی نیست که فصل امامت از کتاب

«معنی» بر شیعیان بسیار گران آمده و آنان در صدد دفاع از خود برآمده اند. دا ششمندی به نام محمد بن احمد بن علی بن الولید که از متکلمان زیدیه بود، رساله ای در رد کتاب «معنی» نوشته و آن را «الجواب العاسم المقتی لشبه المعنی» نامیده است.

ردیه سیدمرتضی بر قاضی عبد الجبار مهم ترین جوابی که به قسمت امامت کتاب «معنی» داده شده، جواب سید مرتضی علم الهدی است. سید مرتضی از بزرگان شیعه و از بنیان گذاران کلام و اصول فقه شیعه است. او برادرش سیدرضی همچون ۲ ستاره ای در تاریخ تشیع می درخشند. کتاب «الشافی» که از آثار مهم سیدمرتضی است، در بخش امامت کتاب «المعنی» قاضی عبد الجبار است. مؤلف در آغاز به

برخی مدعیان پیروی پیامبر<sup>(ص)</sup> که خود را از امت حضرتش می دانند، در برخی دستاورد های پیامبر<sup>(ص)</sup> که به فرمان وحی آورده است، تردید دارند و آن‌ها را سست می انگارند. هرگونه سستی و سهل انگاری در هر کدام از احکام الهی که پیامبر<sup>(ص)</sup> آورده، درجه ای از تردید درباره پیامبر<sup>(ص)</sup> است و این تردیده خدایی است که آن احکام را به پیامبر<sup>(ص)</sup> فرستاده است. بالاترین حکمی که خدای سبحان به پیامبرش فرستاده، حکمی است که ضامن تداوم شاهراه اصلی هدایت، یعنی نبوت است. این تداوم در قالب امامت نمودار است. شک در نماز هیچ گاه با شک در نبوت برابری نمی کند. به همین سان تردید در حکمی مثل نماز، با همه اهمیتی که دارد، هیچ گاه مهم تر تردید در امامت نیست. زیرا نماز

در درجه فروع دین است و نبوت در شمار اصول دین. عدول از امامت همچون عدول از نبوت است. یعنی عدول از دین قویم که خدای تعالی برای ما پسندیده و بدان رضایت داده است.

اکنون انسان عاقل که به حکم عقل تن می دهد، باید تصمیم بگیرد که دینی را تبعیت کند که خدا برای مردم پسندیده است. یبانی را که خود می خواهد. پس اکنون که فرصت هست، زمان تصمیم گیری است. دیده بیدار کجاست تا ژرف بنگرد و فرصت از دست نهد؟ «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْحَنِيفِ دِينِ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَكَّلَهُ بِالدِّينِ» «توجهت را به سوی خداوند و آنگاه آن را که او برگزیده است، برگزین»

درخواست یکی از کسانی که کتاب «معنی» را مطالعه کرده است، اشاره می کند و سپس به نقل گفته های مؤلف کتاب «معنی» پرداخته و همه شبهات را پاسخ داده است. کتاب مسئله امامت در آن به عنوان یک مسئله نظری بحث و تحلیل شده است. آنچه مسلم است، آنکه کتاب سیدمرتضی نه فقط نزد شیعه، بلکه نزد سننن نیز جایگاهی و ایلا پیدا کرد. با توجه به این مطالب، اهمیت مسئله امامت در کلام اسلامی روشن شد.

● شیخ طوسی و ساده سازی مفهوم امامت برای شیعیان

شیخ طوسی کتاب «شافی» را خلاصه تر و ساده تر کرد تا شیعیان بیشتر از آن استفاده کنند. شیخ طوسی در آغاز کتاب می گوید: «من کتاب استفاده آنان که در علم میرز هستند، اصحابان دیدم… در این کتاب شبهه های قدیم و جدید ملاحظان استیفا شده و سستی آن‌ها شکار گردیده است… این کتاب فقط مورد استفاده آنان که در علم میرز هستند،

قرار می گیرد و مبتدیان چنان که درخور این کتاب است، از آن بهره ور نمی گردند. چون جماعتی از اصحاب مشتاق بودند که این کتاب تلخیص شود و مکررات آن ساقط گردد، من عزم بر تلخیص آن کردم.» شیخ طوسی که با تلخیص کتاب «شافی» آن اثر مهم را برای مبتدیان قابل استفاده ساخته، نه فقط خدمت بزرگی به شیعه کرده، بلکه یک مسئله مهم کلامی را به آخرین درجه بحث و نظر رسانیده است. در پایان باید ادعا غن کرد که سیدمرتضی و شیخ طوسی توانسته اند شیعه را امچیز به استدلال و آماده برای دفاع از حق خود کنند.

مولای المؤمنین و آنگ عبداً... و لَیْلَهُ وَالْحَمْدُ لِلشُّوْلِ وَصَیْئِهِ وَوَارِثُهُ وَأَنْتَهُ الْقَائِلُ لِكُلِّ وَالذِّی بَعَثْتَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنْتَ مِنْهُ مِنْ حَقِّ رَبِّكَ وَلَا أَفْرَی... مَنْ جَحَدَكَ وَقَذَلَ مِنْ صُدِّعِكَ وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى... وَلَا إِلَهَ مِنْ دُونِهِ فَكُلُّكُمْ لِي أَمْ وَابْنُ آدَمَ لِي كَمَا لِي بِكُلِّ شَيْءٍ صَدَقَ مُحَمَّدٌ وَخَانِدَانِش (درد خدا بر آنان باد) سروران خلق اند و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی. توبنده خود اولی او برادر رسول خدا و جانشین وارث او هستی و او گوینده این سخن به حضرت توست؛ سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت، به من ایمان نیاورد آن که شک در نبوت برابری نمی کند. به همین سان تردید در حکمی مثل نماز، با همه اهمیتی که دارد، هیچ گاه مهم تر تردید در امامت نیست.

رسول خدا<sup>(ص)</sup> در روز غدیر اتمام حجت کرد و در حضور ده هزار تن از مسلمانان اعلام کرد: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». این ندای آسمانی مسیر تداوم راه پیامبر<sup>(ص)</sup> را نشان داد که چگونه می توان پس از پیامبر<sup>(ص)</sup> در مسیر حضرتش گام نهاد. بدین ترتیب روشن شد که چه کسی ولایت پیامبر<sup>(ص)</sup> را گردن می نهد و چه کسی از آن می گزید.

در این جمله، امام هادی<sup>(ع)</sup> به روشنی بر این حکم عقل تأکید می ورزد که ادامه ایمان به پیامبر<sup>(ص)</sup>، در ایمان به ولی راستین اوست و کسی هدایت پیامبر<sup>(ص)</sup> را پذیرفته است که در مسیر حضرتش گام نهاد. بدین ترتیب روشن شد که چه کسی ولایت پیامبر<sup>(ص)</sup> را گردن می نهد و چه کسی از آن می گزید. در این جمله، امام هادی<sup>(ع)</sup> به روشنی بر این حکم عقل تأکید می ورزد که ادامه ایمان به کسی هدایت پیامبر<sup>(ص)</sup> را پذیرفته است که در مسیر حضرتش گام نهاد. بدین ترتیب روشن شد که چه کسی ولایت پیامبر<sup>(ص)</sup> را گردن می کند: «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرَأَ كُفْرًا تَفُوتُوا أَلْمَأُوهِمَ لَا يُفْشُونَ»